

راهکارهای مناسب برای کودکان با نیاز یادگیری عاطفی

شبنم حیرانی - کارشناس ارشد علوم تربیتی

به قول روان شناسان کودک، خود را دست کم می گیرند، به عبارتی این کودکان اغلب اتکا به نفس ندارند و خود را ناچیز می پندارند. مشاهده این کودکان در حالی که خود را ناتوان می یابند دور از انتظار نیست و این در حالی است که این قبیل کودکان خود را کودن، بی فایده و عاجز از انجام هر کاری می دانند. کودکان مذکور به دلیل ترس از یک ناکامی دیگر، از انجام تکالیف می گریزند و به طور کلی دست از همه چیز می شویند. اختلال یادگیری عاطفی، به ناتوانی کودک در انجام یک کار به

های خود دارند و متکی بودن این گونه از کودکان بیش از حد انتظار بزرگسالان است و دایما طلب یاری و تأیید کارهای خود را دارند. این قبیل از کودکان در اکثر فعالیت های خود که به آن مشغول می باشند، یاری از دیگران را می خواهند. به گفته «گاردنر» اتکای به دیگران بدین گونه آغاز می شود که چنین کودکانی، انجام کارهایی را که دیگران انجام می دهند یا اجتماع از آنان انتظار دارد دشوار می یابند و در مقابل نیز والدین و دوستان آنان اظهار تمایل به کمک می کنند. وقتی کودک خردسال وارد می شود،

بسیاری از کودکان که در مدرسه قادر به یادگیری نیستند به واسطه عدم پیشرفت تحصیلی، افسرده، مضطرب، ناامید و حتی خشمگین می شوند. در اینکه چه عاملی باعث ناتوانی در یادگیری می باشد قطعاً می توان عامل گوناگونی را نام برد اما یکی از عوامل مهم و در عین حال بسیار حساس و مورد توجه، عامل عاطفی و برخورد های عاطفی با کودکان می باشد که اغلب بروز این چنین مشکلی منجر به ناتوانی در یادگیری کودکان می گردد. بارها مشاهده گردیده است که وقتی کودکان دچار مشکلات اجتماعی، عاطفی



خصوص مربوط می شود. برخی رفتار های کودک که نمایانگر احساسات او می باشد می تواند سر خوردگی وی را نسبت به عدم موفقیت تحصیلی یا نبود تشویق در بر گرفته باشد. این شکست ها منجر به ناپایداری رفتارها در کودکان می گردد که این خود نیز مهارش بسیار دشوار است که اغلب با نشانه هایی از قبیل دروغگویی، دزدی، کج خلقی، ناسازگاری و کمی تحمل در مقابل ناکامی ها می باشد. در این میان به جهت رفع این مشکل از کودکان، والدین و معلمان آنان نقش بسیار حیاتی را دارند بدین گونه که به جای تأکید بر رفتارهای درونی که میزان کنترل آن ها اندک است به رفتارهای بیرونی و قابل مشاهده اصرار داشته باشیم و از طریق رفتار و تشویق، اصرار بر رفتار کودک را داشته باشیم. به طور خلاصه کودکان مبتلا به اختلال یادگیری از نوع کمبود عاطفی، نیازمند توجه، تشویق، علاقه و دستگیری آن هم با تأکید بسیار غیر مستقیم و ایجاد استقلال و اعتماد به نفس در کودک است.

برای اولین بار رفتارهایی از خود نشان می دهد که حاکی از اتکای شدید آنان است، با این حال بسیاری از این دشواری ها در خلال ماه های اول مدرسه از بین می رود اما در برخی کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری از نوع عاطفی، این گونه اتکا تا یکی دو سال اول و گاهی تا سال های میانی تحصیل به طور کاملاً جدی ادامه می یابد. ناکامی تحصیلی این کودکان بی تردید با این نیاز فوق برای کودکانی که به شدت به دیگران وابسته هستند اهمیتی حیاتی دارد. توصیه می گردد که به عنوان راهکار برای این کودکان موقعیت هایی فراهم شود تا با چشیدن مزه موفقیت های خود به خصوص کسب تجربه های مثبت، میزان شایستگی خود را بالا ببرند. مهم ترین و تجربی ترین راهکار جهت حل مشکل کودکی که متکی به دیگران است، شیوه اداره رفتار وی برای کاهش این مشکل رفتاری و عاطفی است اما به گونه ای کاملاً مستمر، متوالی و آهسته، اغلب کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری عاطفی نسبت به خود تصورات منفی دارند و

محیط می گردند رفتارهایی از قبیل حواس پرتی شدید، کمی فراخنای توجه، تحرک بیش از حد، ارزیابی نادرست از خود، گوشه گیری مداوم، کمبود ابراز شخصیت، واضطراب وافر و نداشتن رابطه قوی با دیگران می باشند. بسیاری از متخصصان و روان شناسان کودک به این باور رسیده اند که مشکلات عاطفی می تواند موجبات بروز برخی مسایل مهم در یادگیری کودک را زمینه سازی نماید. یکی از مشکلات بارز و قابل طرح در قالب مشکلات عاطفی کودکان که در مدرسه یا منزل هویدا می باشد اتکای بیش از حد داشتن به دیگران است. اکثر کودکان با رشد و رسیدن به بلوغ اجتماعی و جسمی معمولاً به درجه معینی از استقلال دست می یابند. کودکان اغلب با بالا رفتن سن شان اصرار می ورزند که خود کار خودشان را انجام دهند و از اتکا داشتن به دیگران رنجیده می گردند اما این اصرارها کم کم در رفتارشان کاسته می شود. بر خلاف این دسته از کودکان گروهی دیگر می باشند که اتکای بیش از حد به والدین، معلمان و سایر همکلاسی